

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

اورا در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کنه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کنه! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

فبروری 2022

جمادی الثانی

شماره دو صد و نود و سه

آسانی بیاورید نه سختی ، مردم را بشارت دهید و
متنفر مسازید».

منهج و روش آسان از خصوصیت های فقه

اقلیات های اسلامی است

بدون شک مردم در طبیعت خود با هم مختلف هستند ، بعضی شان به طبیعت آسان گیر ، و بعضی دیگر شدید اند . در تاریخ فرهنگ فقهی اسلام داریم : شدائد بن عمر ، و رخص ابن عباس . آسانی های عبدالله بن عباس و شدت های عبدالله بن عمر . در تاریخ فقهی معروف است که صحابه بسیار آسان گیر بودند و شاگردان شان از طبقه تابعین آسانگیر نسبت به آنانکه بعد از ایشان آمدند بودند .

فقهاء در عهد صحابه و بعد از ایشان مایل به گرفتن روش آسان بودند ، و کسانی که بعد از ایشان آمدند بسیار احتیاط گر و سختگیر بودند و هر قدر احتیاط و سختگیری بیشتر شود ، زنجیرها بوجود می آید و دایره بالای مردم تنگتر می شود ، زنجیر های که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای شکستادن آن از گردن مردم مبعوث شدند . { و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم } (الأعراف : 157) . و بار های تکالیف سنگین و زنجیرها { ای جهل ، بی خبری و بدعت را { که بر دوش عقل و جان آنان است بر می دارد .

از خصوصیت های فقه اقلیت های اسلامی پیروی از فرمایشات و توجیحات نبوی که انتخاب و اختیار منهج آسان یا تیسیر است میباشد . زمانیکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ابو موسی و معاذ رضی الله عنهما را به یمن فرستادند برای شان وصیت به روش آسان کردند و فرمود: حدیث ابی موسی و معاذ ، عن سعید بن ابی برده عن ابيه ، قال : بعث النبي صلى الله عليه وسلم جده ابا موسى و معاذا إلى اليمن ، فقال : « يسرا ولا تعسرا ، و بشرا و لا تنفرا و تطاوعا » (متفق عليه ، لؤلؤ و مرجان 1130) . « آسانگیر باشید و نه سختگیر ، بشارت آور باشید نه متنفر کننده ، و در احکام خود اتفاق داشته باشید ، یعنی در احکام تان اگر اختلاف کنید بین تابعین تان اختلاف می آید و دشمنی و محاربه را بار می آورد .

و همچنان حضرت انس روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه فرمودند : { يسروا ولا تعسروا ، و بشروا و لا تنفروا } (لؤلؤ و مرجان 1131) . حدیث انس ، از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند : «

نماز برای مردم انتقاد نمودند ، و غضب کردند بالای ابی ابن کعب که نماز جماعت را طولانی می کرد .

و همچنان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بشدت بعض صحابه را در دادن فتوا برای مردی که جراحت داشت که باید بخاطر جنابت غسل کند و بعد از غسل وفات کرد انتقاد شدید نمودند .

از روش و منهج آسان رسول الله صلی الله علیه وسلم و از انتقاد شدید آنحضرت از غلو و شدت در دین ، صحابه تعلیم آسانی را آموختند .

مراعات قاعده « تغییر فتوا به تغییر اسباب و عوامل »

مهمتری عامل و سبب آسانی گرفتن ، زمانی است که فتوا گیرنده در حالت ناتوانی و ضعف باشد ، و در این حالت لازم است عوامل ضعف او مد نظر باشد و در فتوا برایش آسانی را نشان داد ، لذا برای مریض نسبت به صحتمند و برای مسافر نسبت به مقیم آسانی را انتخاب کرد ، برای ناتوان و نادار نسبت به ثروتمند و برای نایابان نسبت به انسان سلیم آسانی است و برای این قاعده نصوص شرعی موجود است .

واضح و ثابت است که بین دو نفر اختلاف در مورد اینکه: فتوا به تغییر زمان و مکان و عرف تغییر می کند نیست. امام ابن القیم الحنبلی ، و قبل از او امام القرافی المالکی و بعد از ایشان علامه ابن عابدین از متأخرین مذهب حنفی در رساله اش بنام « نشر العرف فی بیان من الأحکام ما بنی علی العرف » بیان مفصل داده است ، از جمله روایت از عمر بن عبدالعزیز زمانی که قاضی در مدینه بود ذکر شده که به بودن یک شاهد و قسم حکم صادر کرده در

صحابه منهج و روش آسان و خفیف را بخاطری انتخاب کردند که میدانستند که منهج قرآن کریم ، و منهج قرآن کریم آسان است و منهج این دین که رخصت را برای مریض و مسافر و تناول محرّمات در حالت ضرورت ، اجازه تیمم برای کسانی که آب را دریافت نکنند و باقی احکام که همه روش آسان را شامل است . قرآن کریم در احکام طهارت می گوید : { یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر } (البقرة: 185). خداوند بشما اراده آسانی دارد نه دشواری.

و در احکام نکاح قرآن میگوید : { یرید الله أن یخفف عنکم و خلق الإنسان ضعیفاً } (النساء: 28). خداوند می خواهد تکلیف شما را تخفیف بخشد (امور دین را بر شما آسان بسازد) و انسان ضعیف آفریده شده است .

صحابه ملاحظه نمودند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در بین اکثر مردم آسانگیر تر همه بود ، و نسبت به همه شدید علیه غلو در دین بودند ، ابن مسعود روایت میکند: « هلک المتنطعون » ، « ایاکم و الغلو فی الدین » ، فإنما هلک من قبلکم بالغلو فی الدین . (احمد و مسلم از عبد الله بن مسعود ، صحیح الجامع الصغیر 7039 و احمد و نسائی و ابن ماجه و الحاکم از عبد الله بن عباس صحیح الجامع الصغیر 2680). پپیرهیزید از غلو در دین همانا افرادی که قبل از شما بودند به علت غلو در دین خود نابود شدند .

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بشدت از روش غلو در عبادات انتقاد نمودند و کسانی که در عبادت غلو به پیروی از رهبان عیسوی می کنند مانند که با عبد الله بن عمر بن عاص نمودند و آنانکه گفتند که همیشه روزه میگیرم و افطار نمی کنم ، تمام شب عبادت می کنم و خواب نمی کنم و نفر سوم گفت از زنان دوری میکنم و ابداً ازدواج نمی کنم ، انتقاد کردن معاذ را در مورد طول

از جمله مثل های که شیخ امام ابی محمد بن ابی زید القروانی (متوفی سال 386 هجری) مؤلف «الرسالة» در فقه مالکی، که چندین عالم بزرگ آنرا شرح داده اند می نویسد که دیوار خانه اش سقوط کرد و ترس از جان خود داشت، سگ را برای پاسبانی خود در داخل خانه بسته کرد، برایش گفتند که امام مالک بودن سگ را در منزل کراهیت می دانست، القرافی جواب داد: اگر مالک در زمان تو می بود شیر را نگاه میکرد. به این معنی که عصر تغییر کرده و اخلاق مردم تغییر نموده.

در تمام مذاهب این نوع مثالها را داریم و معنی آن توسعه شریعت است که برای هر مکان و زمان قابل تطبیق میباشد.

قابل نزاع نیست که در جهان اسلام تغییرات رخ داده، پس اختلاف و تغییر در جهان غیر اسلام عمیق تر است.

سؤال: چطور میتوان دانست که کدام سنت رسول

الله صلی الله علیه وسلم واجب یا غیر واجب است؟

جواب از جانب علامه القرضاوی:

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله، و علی آله و صحبه و من و آله

کلمه سنت چند معنی را افاده میکند، اصولی ها: سنت را: آنچه از نبی الله صلی الله علیه وسلم از قول و فعل «عمل» و تقریر «یک عمل و گفتار در حضور یا غیاب رسول الله صلی الله علیه وسلم انجام شود و آن حضرت صلی الله علیه و سلم در مورد آن سکوت کرده باشد». در اینجا سنت مصدر از مصادر تشریح و دلیل از ادله به حساب می آید.

در اینجا سنت تقابل به (کتاب) گفته میشود: این امر ثابت است به کتاب و سنت.

حالیکه در شام بدون دو شاهد حکم صادر نمی کرد، عمر بن عبدالعزیز در اصدار حکم عرف مردم مدینه را مد نظر داشت.

ابو حنیفه رحمه الله جواز قضاوت به شهادت شخص مستور حال (یعنی ستر شده، پوشیده غیر معروف) در زمان خود (عصر پیروان تابعین) به عدالت ظاهری اکتفاء می کرد، اما در عصر ابو یوسف و محمد این روش در قضاء به سبب انتشار کذب غیر قابل قبول بود. علماء مذهب حنفی می گویند که این نوع اختلاف بین امام ابو حنیفه و اصحاب او، اختلاف زمان و عصر بود، نه اختلاف حجت و برهان.

علماء متأخر مذهب حنفی در مسائل زیاد با علماء متقدم مذهب به دلیل تغییر زمان و حالات مخالفت کردند. علامه فقهاء متأخر حنفی شیخ ابن عابدین رساله مهم را بنام «نشر العرف» به طبع رسانید و در این رساله تذکر داد که: «احکام بیشتر به اختلاف زمان نظر به عرف مردم و به حدوث ضرورت، یا به فساد اهل زمان تغییر میکند، و اگر حکم به آن طور که بود باقی بماند اولاً: برای مردم ضرر و مشقت میرسد، و مخالف قواعد شریعت که تخفیف و آسانی و از بین برداشتن ضرر و فساد است می شود، لذا مشایخ مذهب مخالف نص که مجتهد (امام مذهب) در مواضع کثیر به اساس آنچه در زمانش بود، به اساس آنچه در زمان خود شان بود مخالفت کردند، اگر مشایخ در عصر و زمان متأخرین می بودند، مثل که متأخرین می گویند می گفتند. (مجموعه رسائل ابن عابدین: جلد 2 صفحه 125).

در مذهب مالکی علامه شهاب الدین القرافی در کتاب خود بنام «الفروق» و کتاب «الإحکام فی تمیز الفتاوی من الأحکام» واجب بودن تغییر حکم را در روشنی تغییر عادت و عرف که باقی نمانده می داند.

ای پسر! بسم الله... بگو، بدست راست خود بخور و از آنچه نزدیک و پیش روی تست بخور». (البخاری، آداب طعام خوردن و آب نوشیدن و احکام آن) حدیث 1313.

این اوامر نبوی دلالت به استحباب میکند، ولیکن قول آنحضرت «و کل بيمينك» دلالت به واجب می کند، و اما به حدیث آخر «لا يأكل أحدكم بشماله، و لا يشرب بشماله، فإن الشيطان يأكل بشماله، و يشرب بشماله» (مسلم فی الأشربة: 2020). هیچیک از شما به دست چپ نخورد، و نه به چپ بنوشد، زیرا شیطان به چپ می خورد، و به چپ می نوشد. در این حدیث شریف نسبت خوردن و نوشیدن به شمال به شیطان دلالت به حرمت می کند، و باید به راست خورد و نوشید.

آیا اسلام قبل از بعثت حضرت محمد صلی

الله علیه و سلم بود؟

«ما كان ابراهيم يهوديا و لا نصرانيا، و لكن كان حنيفا مسلما و ما كان من المشركين* آل عمران: 67». ابراهيم نه يهودی بود و نه نصرانی و لیکن حنیف (پیرو دین حق) مسلمان بود، و نبود از جمله مشرکین.

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد:

الحمد لله، و الصلاة و السلام على رسول الله، و على آله و صحبه، و من اتبعه إلى يوم الدين، و بعد: اسلام یعنی تسلیم کردن رو و قلب برای خداوند عز و جل، یعنی تنها عبادت نمودن خداوند سبحانه و عدم شریک ساختن کسی و یا چیزی در عبادت او تعالی. خداوند سبحانه تمام انبیاء را برای عبادت مبعوث و برای همه ای ایشان کتاب نازل فرمود باین معنی که اسلام دین تمام انبیاء است.

و مقصد از سنت احیاناً: امر مشروع، در مقابل آن بدعت است.

مقصد از سنت نزد فقهاء: سنت یکی از احکام پنجگانه شریعت است: فرض، سنت، حرام، مکروه، مباح. و همچنان تعبیر میشود به کلمه (مندوب) یا (مستحب) بدل کلمه (سنت).

معلوم است که سؤال کننده میخواهد بداند کدام امور به سنت و به دلالت احادیث شریفه به ثبوت میرسد و کدام آن واجب گفته میشود؟ و کدام آن غیر واجب شمرده میشود؟

ممکن نیست به این سؤال جواب داد، مگر اینکه بدانیم به چه چیز این سنت ثابت می شود: به قول، یا فعل و یا تقریر؟

اما فعل و تقریر، به تنهایی بیشتر از مشروعیت را معنی نمی دهد، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم عمل محرم را انجام نمی داد، باطل را تأیید نمی کرد، و اگر از فعل قصد نزدیک شدن به الله تعالی بود معنی استحباب را افاده می نماید، و اما اگر به قول ثابت بود، باید به صیغه قول و دلالت های آن دید که امر است یا نهی.

آنچه برای من از احکام فقهی و استنباط های فقها - بغير از ظاهری - واضح است این است که امر به سنت محمول است به استحباب، مگر اینکه دلالت به واجب باشد، و همچنان نهی دلالت به کراهیت میکنند مگر اینکه دلالت به تحریم باشد.

مثلا قول رسول الله علیه الصلاة و السلام: «يا غلام! سم الله، و کل بيمينك، و کل مما يليك» (متفق علیه، لؤلؤ و مرجان، 1313). حدیث عمر بن ابی سلمه که گفت: من طفلی بودم زیر تربیة رسول الله صلی الله علیه و سلم، حین طعام خوردن دست من هر طرف طبق و کاسه طعام در حرکت بود (یعنی بهر طرف کاسه دست دراز می کردم) پس پیامبر صلی الله علیه و سلم برایم فرمودند: «

آیا اسلام /

دین انبیاء اسلام است و لذا خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «و ما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحی إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون * الانبیاء: 25». و نه فرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری الا وحی می فرستادیم بسوی وی که نیست هیچ معبود بر حق غیر من پس پرستش من کنید. و تمام انبیاء آمدند برای اصل این دعوت یعنی دعوت به وحدانیت، دعوت به عبادت خداوند و اجتناب از طاغوت. و برای این اصل خداوند می فرماید: «إن الدین عند الله الاسلام * آل عمران: 19». بی شک که دین پسندیده نزد خداوند اسلام است. و دین نزد خداوند فقط اسلام است نه غیر. خداوند در این مورد می فرماید: «و من یتبع غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه، و هو فی الآخرة من الخاسرین * آل عمران: 85». و هر که غیر از اسلام دینی اختیار کند پس هرگز از وی پذیرفته نشود و او در آخرت از زیان کاران است.

از همین جا است که حضرت نوح علیه السلام شیخ مرسلین برای قوم خود می گوید:

«فإن تولیتهم فما سألتکم من أجر، إن أجری إلا علی الله و أمرت أن أکون من المسلمین * یونس: 72». پس اگر اعراض کردید (یعنی از گفته من چه زیان) پس نخواسته بودم از شما هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان.

حضرت ابراهیم می گوید: «إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت لرب العالمین، و وصی بها إبراهيم بنیه و یعقوب: یا بنی إن الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن إلا و أنتم مسلمون * البقرة: 131 - 132». آنگاه که پروردگارش به وی گفت بفرمان خدا منقاد شو، عرض کرد تسلیم فرمان پروردگار عالمیانم * ابراهیم و یعقوب بفرزندان شان در مورد تسلیم بفرمان خداوند توصیه نمودند که ای فرزندان، خداوند برای شما دین (اسلام) را برگزید (تا زنده اید پیوسته از آن پیروی کنید) و هر گز نمیرید مگر که مسلمان باشید.

و حضرت موسی به قوم خود گفت: «یا قوم إن کنتم آمنتم بالله فعلیه توکلوا إن کنتم مسلمین * یونس: 84». و گفت موسی ای قوم من اگر ایمان آورده اید بخدا پس بروی توکل کنید اگر مسلمان هستید. حواریون اصحاب سیدنا عیسی گفتند: «آمنّا بالله و أشهد بأننا مسلمون * آل عمران: 52». حواریون (شاگردان و پیروان خاص عیسی) گفتند، ما انصار خدائیم (مدد گاران دین خدا) ایمان بخداوند داریم و گواهی ده که ما تسلیم فرمان او (تعالی) هستیم. جادوگران فرعون زمانیکه ایمان آوردند گفتند: «ربنا افرغ علینا صبرا و توفنا مسلمین * الأعراف: 126». ای پروردگار ما بر ما بریز بر ما شکیبائی و قبض ارواح ما کن در حالیکه مسلمان باشیم. و سیدنا سلیمان وقتیکه برای بلقیس نامه فرستاد بعد از بسم الله نوشت: «ألا تعلقو علی و أتونی مسلمین * النمل: 31». باین مضمون که تکبر مکنید بر من بیائید پیش من مسلمان شده.

اسلام دین تمام انبیاء است و جمیع انبیاء مردم را به اسلام دعوت کردند و اسلام که خداوند برای محمد صلی الله علیه و سلم فرستاد ختم تمام ادیان سماوی است و اسلام آمد تا تکمیل و تمام سازد تمام ادیان را و همچنان تصحیح کند ادیان ما قبل خود را که در آن نواقص و زیادت پیش شده بود. سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم برای اتمام یا تکمیل تمام کتب و تصحیح آن مبعوث شد. و دین محمد صلی الله علیه و سلم دین تمام انبیاء است و سیدنا ابراهیم علیه السلام نه یهودی بود و نه نصرانی چنانکه قرآن می گوید: «ما کان إبراهيم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین * آل عمران: 67». ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی و لیکن حنیف (پیرو دین حق) مسلمان بود، و نبود از جمله مشرکین.

اسلام عبارت از مجموع عقاید و اخلاقیات است که انبیاء همه به آن معتقد بودند و همچنان اصول محرّمات که انبیاء از آن امت خود را منع نموده بودند و تشریعات فرعی. و تشریعات نظر به شرایط زمان و نسلها تفاوت

عجز الداخل و کید الخارج» در باب قناعت شخص به ایمان آوردن زیادتر از یکصد آیت از قرآن کریم را نقل میکند و از تفسیر آیات قرآن کریم به اثبات میرساند که حریت تدین و ایمان آوردن به خداوند و انبیاء علیهم السلام اصل از اصول ثابت رسالت سید المرسلین حضرت محمد صلی الله علیه و سلم میباشد.

با اینکه اسلام دین عالمی و رسول الله صلی الله علیه و سلم را خداوند برای تمام جهانیان فرستاده تا مردم را بطور عموم به طریق مستقیم دعوت نماید لیکن حریت یا آزادی عقیده /

قبول دین اسلام را به اختیار و اراده آزاد مردم گذاشته و اسلوب و طریق و روش دعوت را قرآن این طور بیان نمود: (ادع إلى سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة * النحل: 125). دعوت کنید مردم را به بسوی خدا یعنی اسلام به حکمت و موعظه حسنه. آیه مذکور هر نوع اجبار را در دعوت به قبول اسلام نفی میکند و آزادی عقیده را احترام و قبول دین را به مردم میگذارد.

اگر شریعت اسلام را بدقت مورد مطالعه قرار بدهیم ملاحظه میشود که شریعت اسلام اولین شریعتی است که آزادی و حریت عقیده را نه تنها قبول بلکه آنرا تأمین و تضمین نیز میکند و برای هیچ شخص و یا مؤسسه اجازه نمیدهد تا مردم را مجبور به قبول عقیده معین و یا ترک عقیده معین کنند. (حمزه ابراهیم فوده «العلاقة الإنسانية فی القرآن الکریم» ص: 42). شهید عبدالقادر عوده می نویسد که اسلام در قبول مبدأ حریت عقیده و حمایت آن دو طریق و یا دو روش را در پیش گرفته است:

اول: مجبور ساختن و یا ملزم نمودن مردم تا حق دیگران را در معتقدات احترام نمایند و کسی را مجبور به قبول عقیده معین نسازند. و مبدأ حریت عقیده را قرآن به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم این

دارد و خداوند در مورد تشریحات می فرماید: « لكل جعلنا منکم شرعة و منهاجا * المائدة: 48 ». برای هر گروهی از شما مقرر ساخته ایم شریعتی و راهی
و شریعت اسلام همه شرائع ما قبل خود را منسوخ ساخت و شریعت اسلام شریعت خالد و برای هر زمان و مکان است.

فضل غنی مجددی

حریت یا آزادی عقیده

کلمه حریت در فرهنگ اسلامی از کلمه (الحر) گرفته شده و کلمه حر در مقابل (عبد) یعنی برده استعمال میشود. حریت در تعریف اسلامی آن یعنی انسان در اعمال و تصرفات خود آزاد میباشد. همچنان در فرهنگ اسلامی کلمه حر برای شخصیکه به صفات حسنه و اخلاق نیک متصف باشد نیز اطلاق میشود. اسلام اصل حریت را به اخلاق خوب و عالی مقید می سازد و در فرهنگ اسلامی حریت بدون اخلاق حریت به حساب نمی آید زیرا آزادی بدون مسئولیت اخلاقی جامعه را به طرف زشتی سوق میدهد. (العلامة الشيخ عبدالله بن الشيخ المحفوظ بن بیه « حوار عن بعد حول حقوق الإنسان فی الإسلام» ص 51 - 52). در فصل آزادی در دیموکراسی ملاحظه خواهیم نمود که حریت و آزادی در فرهنگ سیاسی و اجتماعی اسلام حق ثابت افراد در جامعه است و حریت و حق تصرف شخصی با انسان یکجا خلق شده است، به عبارت دیگر حریت حق طبیعی انسان است نه هدیه از طرف جامعه و سلطه سیاسی.

وظیفه اول اسلام نشر عقیده و تصحیح عقاید فاسد و شرک است. اسلام در نشر عقیده توحید راه نصیحت، برهان، دلیل و دعوت حسنه را به مردم معرفی میکند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در طول حیات خود حاضر نشد مردم را به قبول دین جدید که ادامه ادیان توحیدی است مجبور سازد. قرآن کریم وسیله ایمان آوردن را اقتناع و قناعت خود شخص به دین میدانند. محمد الغزالی در کتاب خود بنام «جهاد الدعوة بین

جواب گویند: ما در روی زمین مردم ضعیف و ناتوان بودیم، فرشتگان گویند: آیا زمین خداوند پهناور نبود که در آن هجرت مینمودید؟ پس جایگاه آنها جهنم است و چه بد جایگاهی* مگر آندسته از مردان و زنان و کودکان که (واقعا) بیچاره و ضعیف بودند، نه توان (هجرت)

داشتند و نه راه و چاره (آنها) می شناختند* پس آنها (کسانی اند) که امید است خداوند ایشانرا عفو فرماید و خداوند بسیار عفو کننده (و) آمرزنده است.

شریعت اسلامی حریت عقیده را برای مسلمانان و غیر مسلمانان تثبیت نمود و حمایت و حریت عقیده غیر مسلمانان را در کشور های اسلامی که بنام دار الاسلام یاد می شود تضمین کرد و برای غیر مسلمانان اجازه داد تا به حریت عقیده خود را تمرین و عملی سازند و معابد خود را داشته باشند که میتوان از آزادی عقاید یهودیت و عسیویت در کشور های اسلامی مثال داد. (عبدالقادر عوده «التشريع الجنائي الإسلامي» الجزء الأول، ص: 31 - 32).

اسلام ضمانت های قانونی را در عدم اکراه و اجبار مردم به عقیده معین بوجود آورد و به هیچ سلطه قانونی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی اجازه نداد تا انسانی را مجبور و مکلف به قبول عقیده معین نماید بلکه قبول عقیده را ارتباط به آزادی فکری انسان واکذار نمود و قرآن در این مورد بصراحت می گوید: «لا إكراه فی الدین * البقرة: 256». در دین (در امر داخل شدن در دین اسلام) اجبار نیست و «فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر * الكهف: 29» کسیکه بخواهد ایمان بیاورد و کسیکه میخواهد نیاورد یا کفر کند.

آیات صریح در قرآن کریم است که عصمت عقیده را تضمین میکند و آزادی عقیده را اسلام اصلی از اصول قانونی در باب حریت و آزادی فکری و عقائدی می داند. برای توضیح بیشتر از ضمانت قانونی حمایت حریت عقیده در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می توان گفت که اسلام جهت حمایت عقیده اجازه نداد تا قلب مردم تفتیش شود که از کدام عقیده پیروی میکنند و اقرار به لسان را اساس معرفت عقیده دانست. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مردمی را در مدینه منوره می

طور ارشاد میکند: «لا إكراه فی الدین قد تبين الرشد من الغی فمن يكفر بالطغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقی لا انفصام لها و الله سميع عليم * البقرة: 256». ترجمه: در دین (در امر داخل شدن در دین اسلام) اجبار نیست، به تحقیق که راه هدایت از گمراهی جدا و روشن گردید، پس هر که از کفر و سرکشی انکار نماید و بخداوند ایمان آرد بدون شک بدستاویز محکم چنگ زده است که هر گز نخواهد گسست، و خداوند شنوا، دانا است. شهید سید قطب در تفسیر آیه مبارکه فوق می نویسد که این بالاترین تکریم از جانب خداوند برای انسان است، و آیه کریمه به اراده و فکر و شعور انسان احترام و ارج میگذارد و حریت عقیده را به خود شخص میگذارد اگر میخواهد هدایت شود و اگر میخواهد در گمراهی باشد و این خود بالاترین حریت و آزادی است که اسلام برای انسان قائل است که متأسفانه مذاهب و مدارس فکری قرن بیستم این درجه حریت را برای انسان قائل نیست. سید، قطب «فی ظلال القرآن» تفسیر آیه 70 از سوره الإسراء).

دوم: ملزم ساختن صاحب عقیده یعنی مجبور و مکلف نمودن صاحب عقیده تا از عقیده خود دفاع و آنرا حمایت نماید و در مورد عقیده خود نباید موقف بیطرفی یا سلبی داشته باشد و اگر در دفاع از عقیده خود عاجز باشد باید به منطقه هجرت نماید که مردم آن عقیده او را احترام داشته باشند و اگر قادر به نشر عقیده و حمایت عقیده خود نباشد و قدرت هجرت را نیز نداشته باشد قرآن بصراحت در این مورد می فرماید: (إن الذین توفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم قالوا: فیم کنتم قالوا: كنا مستضعفین فی الأرض، قالوا ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئك ما واهم جهنم و ساءت مصیرا * إلا المستضعفین من الرجال و النساء و الوالدان لا یستطیعون حيلة ولا یهتدون سیبلا * فأولئك عسی الله أن یعفو عنهم و کان الله عفوا غفورا * النساء: 97 - 98 - 99). ترجمه: یقینا کسانی که فرشتگان جان شانرا میگیرند (هنگام مرگ بسبب عدم هجرت و ماندن در کفر) بر خود ستم نموده اند، فرشتگان بآنها گویند: شما در چه حالی بودید؟ ایشان در

أهل کتاب است آن معامله را بکند که با زن مسلمان می نماید و در حقوق و وجایب بین زن مسلمان و غیر مسلمان فرق نکند. اسلام هر نوع تعصبات را ضد ادیان دیگر منع میکند و تعلیمات اسلام

در باب حریت عقیده غیر مسلمانان بهترین نمونه از حریت عقیده در دین اسلام میباشد (محمد حسین الخضر «الحرية في الإسلام» ص: 63 - 64 - 65).

قیام بر علیه امام (زعامت سیاسی)

جواز یا عدم جواز

فضل غنی مجددی

تحقیق در 203 صفحه جدیداً از طبع بیرون شده. هموطنان گرامی اگر خواسته باشند، میتوانند از آدرس فقه اسلامی بدست آورند.

قیمت کتاب برای امریکا با هزینه پست 20 دالر است.

صفحه ای از تاریخ معاصر افغانستان

1930 — 1900

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحه برای مطالعه شما آماده است. شما میتوانید کتاب را از آدرس فقه اسلامی بدست آورید. قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد. نظر به قیمت گزاف پستی از فرستادن کتاب به اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواهیم. *

ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق در 380 صفحه برای مطالعه شما آماده است. قیمت کتاب: \$25، مصارف پستی \$5.

Fazl Ghni Mogaddedi

201 Washington Blvd # 104

Fremont, ca 94539

U.S.A.

Tel (510) 979-9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

aamo-usa.com

شناخت که خود را مؤمن معرفی میکنند و در حقیقت در عقیده شرک باقی مانده بودند لیکن باساس ظاهر با ایشان معامله مسلمان را می نمود. (إسلامية المعرفة، عدد 31-32، 1423 هجری / 2002، ص: 33-34).

در صحیح مسلم «کتاب الایمان» حدیث شریف از حدیث ابن ابی شیبیه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را در یک سریه (سریه غزوه که در رأس آن رسول الله صلی الله علیه وسلم نباشد) فرستاد شخصی را مقابل شدم که گفت لا إله إلا الله لیکن او را کشتم و این قصه را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم نمودم. رسول الله گفت با اینکه گفت لا إله إلا الله او را به قتل رساندی؟ گفتم از ترس اسلحه گفت فرمودند: آیا قلب او را باز کردی و فهمیدی که از ترس گفته بود. حدیث مبارک بالاترین تضمین برای آزادی عقیده در اسلام است.

باید خاطر نشان ساخت که آزادی عقیده که در آیه مبارکه 256 سوره البقرة تضمین شده است تنها آزادی و حریت عقیده را نشان نمیدهد و تنها در مورد و باب ایمان نیست بلکه در ارتباط با کلیه ساحات حیات مطرح گردیده است. اسلام هر نوع تحجر و تصلب یعنی مراقبت بالای فکر انسان و صلب حریت تصرف را در حیات فردی و اجتماعی رد میکند. آزادی که اسلام برای اتباع و پیروان خود داده است مطلق نبوده بلکه مقید و همراه با مسئولیت های نیز است انسان با داشتن حریت و آزادی مطلق در مقابل جامعه و دولت اسلامی مسئولیت ها و وجایب را نیز دارد. علمای قانون اسلامی در تعریف حریت و آزادی می گویند که انکار مطلق از آزادی غلط است، دفاع از آزادی مطلق نیز غلط و فرار از مسئولیت میباشد.

شیخ محمد حسین الخضر در موضوع آزادی دینی می نویسد که اسلام حریت معتقدات دینی را احترام میکند و اسلام بحدیث مبدأ حقوق دینی مردمی که تحت نظام اسلامی زندگی دارند احترام و تقدیر و اتباع دولت غیر از مسلمین را اجازه میدهد که شعائر دینی خود را به حریت بجا آورند.

از احترام عقائد دینی است که اسلام برای مسلمانان اجازه داده است تا با دختران أهل کتاب ازدواج کنند و بعد از ازدواج مرد مسلمان برای زن غیر مسلمان خود اجازه بدهد که شعائر دینی خود را به حریت مطلق انجام بدهد و با زن که از